

تأثیر دوسویه آخرت‌باوری و اعمال عبادی بر

سبک زندگی اسلامی از منظر نهج البلاغه

جهانبخش ثواقب^۱

doi 10.61186/HAS.2024.986.1046

فاطمه مرادی کهنگی^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهمی که در نهج البلاغه مطرح شده عبادت است که چگونگی رابطه انسان موحد و باورمند به حیات اخروی (معاد) را می‌نمایاند. از منظر امام علی (ع) عبادت اثرات سازنده پرشماری برای فرد و جامعه در بر دارد و عقیده به آخرت، جهان پس از مرگ، که یکی از ارکان اعتقادی دین اسلام در کنار توحید و نبوت است انسان را هرچه بیشتر با عبادت مأنوس‌تر می‌سازد و کنش‌های مؤمنانه را در او برمی‌انگیزاند. اهتمام به انجام عبادات دینی موجب می‌شود که انسان به اخلاق الهی آراسته شود و اعضای وجودی‌اش در اطاعت فرمان خداوند (ع) قرار گیرد. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به سخنان امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه، تأثیر باور به آخرت بر انجام عبادات ازسوی انسان مؤمن و تجلی نوعی سبک زندگی مؤمنانه بررسی شده است. یافته پژوهش حاکی از آن است که میان عبادات و باور به آخرت رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ بدین معنا که انجام عبادات موجب تقویت باور به آخرت و مجاهدت بیشتر برای حصول آخرتی بهتر می‌شود و ازسویی آخرت‌باوری نیز موجب مأنوس شدن بیشتر انسان با عبادات می‌شود. پیامد اخلاقی و تعالی برآمده از انجام عبادات الهی بر نوع نگاه انسان به خداوند (ع)، جهان، حیات پس از مرگ و نوع ارزش‌های پذیرفته شده او تأثیری مستقیم دارد و اندیشه و گفتار و از همه مهم‌تر عمل نیکوتری را در پی خواهد داشت که در بسترسازی سبک زندگی اسلامی در جامعه مؤثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، آخرت‌باوری، عبادت، سبک زندگی اسلامی.

۱. استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، jahan_savagheb@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، 18nafas@gmail.com

طرح موضوعات مختلف توسط قرآن و ائمه علیهم السلام نشان‌دهنده جامعیت دین مبین اسلام است. دین اسلام برای تمامی مراحل و جزئیات زندگی بشر برنامه مدونی را ارائه کرده است. امروزه همه مکاتب به گونه‌ای می‌کوشند تا طرحی جامع برای سبک زندگی انسان‌ها تنظیم کنند؛ اما ارائه بهترین سبک برای زندگی تنها از کسانی برمی‌آید که از ویژگی‌ها و مصالح بشر آگاه بوده و تمام تلاششان در جهت سعادت انسان‌ها خلاصه شود. مصداق کامل این افراد ائمه معصومان علیهم السلام هستند که حیاتشان را وقف هدایت و سعادت بشر کردند. نهج البلاغه که حاوی بخشی از کلام امام علی علیه السلام در موضوعات گوناگون است، افق‌های مختلفی را در جهت هدایت و سعادت به‌روى انسان می‌گشاید. یکی از این افق‌ها تبیین سبک زندگی اسلامی است که از نهج البلاغه، به‌عنوان یکی از متون ارزشمند اسلامی، می‌توان رهیافت‌های مهمی در این زمینه دریافت کرد.

در سبک زندگی اسلامی عبادت از جایگاه مهمی برخوردار است و کنش‌های عبادی سازه‌های سبک زندگی اسلامی هستند و به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها معنا و جهت می‌بخشند. در سخنان حضرت علی علیه السلام مجموعه‌ای از عبادات به تناسب زمان و موقعیت سخن بیان شده است؛ نظیر اطاعت از خداوند تعالی، برپایی نماز، روزه‌داری، گزاردن حج، خواندن قرآن، شب‌زنده‌داری، یاد خداوند تعالی (ذکر)، شکر نعمات، توبه و انابه، دعا، اخلاص ورزیدن، تفکر در هستی، یاد مرگ، داشتن خوف ورجا، یاری خواستن از خداوند تعالی، توکل بر خداوند تعالی، فروتنی در برابر خداوند تعالی، انجام واجبات و نظایر آن. با تعمق در سخنان حضرت علیه السلام این نکته حاصل می‌شود که ایشان بر انجام این گونه عبادات در میان مؤمنان تأکید زیادی کرده و بین عبادات و اندیشه آخرت ارتباط برقرار کرده است. باور به آخرت یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌های مؤمن است که او را به انجام عبادات و رفتارهای پارسایانه یا مؤمنانه ترغیب می‌کند و اهتمام به انجام عبادات نیز، باور به آخرت و شوق دیدار خداوند تعالی را در مؤمن زنده نگه می‌دارد.

بر مبنای آموزه‌های دینی خلقت انسان هدفمند و هدف غایی آن کمال انسان در ابعاد مختلف وجودی او و نزدیکی به پروردگار تعالی است. راه رسیدن به کمال انسانی نیز بندگی و

عبودیت است. هدف اصلی عبودیت و قرار دادن برنامه‌های دینی نیز کمال انسان است. به گونه‌ای عبادت و کمال با هم ملازمه دارند. این رفتارهای دینی و کمال‌گرایی در پرتوی جهان‌بینی الهی باورمند به آغاز و فرجام هستی، یعنی خداشناسی و معادشناسی جهت و معنا پیدا می‌کند و انسان‌هایی با بینش و گرایش راسخ و رفتارهای دینی کامل و پایدار در مسیر بندگی خداوند تربیت می‌شوند. دستورات دینی برای تکامل انسان صادر شده و در سبک زندگی مؤمنانه در جوامع اسلامی می‌بایست ظهور پیدا کند تا جامعه‌ای آراسته به اخلاق حسنه و اسوه شکل بگیرد؛ از این‌رو شناخت اعمال عبادی براساس متون مهم دینی و بررسی نقش و تأثیر آن‌ها در کمال انسانی و تقویت مبانی اعتقادی و تأثیر متقابل این مبانی با رفتارها در جامعه ضرورت می‌یابد. وقتی این مهم در قالب پژوهش‌هایی منسجم و علمی کارساز خواهد بود که بتواند تأثیری ماندگار داشته باشد. نهج البلاغه یکی از منابع ارزشمند دینی است که داده‌های بسیاری درباره اعمال عبادی و تأثیر و تأثر آن با عقیده به آخرت در دسترس پژوهشگران قرار داده و الگویی برای تبیین سبک درست زندگی اسلامی ارائه می‌دهد؛ از این‌رو مراجعه به سخنان حضرت علی (ع) که خود الگوی عملی عبادت و باورمندی منطقی به آخرت است ضرورت می‌یابد.

این مقاله بر آن است تا تأثیر باورمندی به آخرت بر انجام عبادات دینی و بروز کنش‌های عبادی و انسانی از منظر نهج البلاغه را بررسی کند و درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که رابطه آخرت‌باوری با کنش‌های عبادی مؤمنان چگونه است و این بینش و کنش‌ها چه تأثیری بر سبک زندگی اسلامی دارند؟ فرضیه پژوهش آن است که بین آخرت‌باوری و تقید به انجام عبادات رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ بدین معنا که تقویت کنش‌های عبادی گرایش و باور به آخرت را در انسان رشد می‌دهد و باور به آخرت بر تقویت کنش‌های عبادی تأثیر مثبت می‌گذارد؛ برعکس، بی‌توجهی و اهتمام نداشتن به هرکدام، بر دیگری تأثیر کاهشی دارد. در حالت افزایشی باور به آخرت و کنش‌های عبادی به ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه می‌انجامد. این پژوهش در مرحله گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و در مرحله تبیین به روش توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است.

در موضوع عبادات پژوهش‌هایی صورت گرفته است. الهامی‌نیا و طاهرزاده در کتاب اخلاق عبادی (۱۳۷۹) به تأثیر اخلاق و عبادت در یکدیگر و سنن و آداب نیکوی عبادی

پرداخته‌اند. نویسندگان کتاب با طرح مفهوم عبادت و هدف خلقت مقوله‌های عبادت و کمال انسانی، نظم و اعتدال در عبادت، اخلاص و خشوع و طهارت در عبادت، آثار نماز و دعا و تفکر و مباحثی دیگر را مطرح کرده‌اند. معتقدند که از یک سو اخلاق نیکو سبب پیدایش و تقویت روحیه پرستش در فرد می‌شود و از سوی دیگر یکی از آثار قطعی عبادت پروردگار ﷻ تهذیب نفس، یعنی آراسته شدن به صفات زیبا و پیراسته شدن از خصلت‌های زشت است. آیه‌الله جوادی آملی (۱۴۳۲ق) در کتاب حکمة العبادات برخی از عبادات مثل نیت، طهارت، نماز، اعتکاف، تلاوت قرآن، دعا، تولی و تبری و ذکر را مطرح و حکمت‌های الهی برای این عبادات را بیان می‌کند. معین‌الاسلام در مقاله‌ای به نام «سیره عبادی امیرالمؤمنین علی ﷺ» (۱۳۸۸) از سیره عبادی آن حضرت ﷺ گفته و در آن با بررسی سیره‌شناسی عبادی و تعریف واژه‌های سیره و عبادت درباره ضرورت سیره‌شناسی و حقیقت عبادت و ضرورت انجام عبادت و جایگاه آن بحث کرده است. هدف نویسنده یافتن اصول عبادی امام علی ﷺ بوده است؛ یعنی حضرت علی ﷺ در زمینه عبادات چه اصولی داشتند که باعث ثابت شدن و استواری ایشان در زمینه عبادات شد. به عبارت دیگر منطق عملی عبادات مولای متقیان ﷺ چه بود. از نظر معین‌الاسلام شناخت سیره عبادی امام علی ﷺ، یعنی شناخت این اصول و منطق. فاطمه مرادی و همکاران در مقاله «نقش آخرت‌گرایی در رابطه انسان و محیط زیست از دیدگاه نهج البلاغه» (۱۳۹۷) این مسئله را بررسی و بر احساس مسئولیت انسان به حیوانات تأکید کرده‌اند. وجه غالب این نوع پژوهش‌ها تبیین ابعاد و آثار عبادات یا حکمت‌های عبادات یا عبادت خاص حضرت علی ﷺ است. هیچ‌کدام از این نوشته‌ها درباره تأثیر باور به آخرت بر کنش‌های عبادی با تأکید بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه نیست. مقاله پیش رو این مقوله را به‌طور مستقل و منسجم بررسی کرده و می‌تواند خلأ موجود در این زمینه را برطرف کند.

۱. تعریف مفهومی

در هر پژوهشی ضروری است تا لغات سخت و مهم آن مفهوم‌شناسی شود.

۱.۱. عبادت

مفهوم عبادت اظهار بندگی و نیاز در پیشگاه خداوند ﷻ و بیان خواسته‌ها و تقاضای تکامل از درگاهش و تقدیس ذات مقدس اوست. در لغت به معنای افتادگی و ذلت است

و به همین دلیل برای غیرخدا پسندیده نیست و در اصطلاح مراقبت بر افعال و اوامری است که خداوند ﷻ فرمان داده است (الهامی‌نیا و طاهرزاده، ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۷). هرچه انسان در مسیر عبادت خداوند ﷻ گام بردارد نزد خداوند ﷻ و خلق محبوب‌تر و باارزش‌تر می‌شود. به عبارت دیگر در جهان آفرینش، معیار ارزش‌گذاری مخلوقات کرنش و عبادت است و هرچه انسان از راه عبادت کوچکی و وابستگی خویش را به خداوند ﷻ نشان دهد از عزت و آزادگی بیشتری برخوردار می‌شود (الهامی‌نیا و طاهرزاده، ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۹). مطهری نیز رابطه خداوند ﷻ و انسان را بر محوریت عبادت می‌داند: «بزرگ‌ترین، شریف‌ترین، باشکوه‌ترین و باعظمت‌ترین حالت انسان آن حالت پرستشانه‌ای است که به خود می‌گیرد.» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

در قرآن کریم عبادت هدف خلقت (ذاریات، ۵۶) و راه مستقیم انسانیت عبادت (یس، ۶۱) معرفی شده و هرکس از عبادت خداوند روی برگرداند رستگار نخواهد شد (غافر، ۶۰). اگر عبودیت که در این آیات آمده به شناخت و عرفان خداوند ﷻ نیز معنا شود باز چون این بینش در انسان گرایش به خداوند ﷻ را پدید می‌آورد در پرتوی این بینش و گرایش به کنش پرستش خالق روی می‌آورد. امام علی (علیه السلام) در سخنان خویش همواره مردم را به پرستش خداوند ﷻ سفارش می‌کردند: «مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسم تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار [...]». (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰). ایشان عبادت را به سه نوع تقسیم کرده‌اند: «گروهی خداوند ﷻ را به امید بخشش پرستش کردند که این پرستش بازرگانان است و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند که این عبادت بردگان است و گروهی خداوند ﷻ را از روی سپاس‌گزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷)؛ بنابراین حقیقت عبادت تعظیم و طاعت بعد از چشم‌پوشی از غیرواست و اعتقاد به اینکه فقط او لایق پرستش است. هرکس در حد درک و فکر خویش خداوند ﷻ را عبادت می‌کند؛ هرچه معرفت عبادت‌کننده بیشتر باشد مقامش نزد پروردگار ﷻ و ارزش عبادتش والاتر خواهد بود (معین‌الاسلام، ۱۳۸۸: ۴۲).

آنچه در این پژوهش از آن به کنش عبادی تعبیر شده هر آن چیزی است که به رابطه انسان با خداوند ﷻ مربوط است و لازم است انسان در رفتار خویش به انجام آن اهتمام داشته باشد؛ به گونه‌ای که تأثیر این اعمال انسان در کیفیت رابطه‌اش با خداوند ﷻ و

در مجموع در سبک زندگی او و تلاشی که برای به دست آوردن سعادت اخروی می کند مشاهده شود.

۲.۱. آخرت باوری

یکی از اصول مشترک شرایع آسمانی و از جمله اسلام ایمان به جهان آخرت است که همراه دعوت به توحید بر آن تأکید شده است؛ بدین معنا که حیات انسان به همین نشئه دنیوی منحصر نشده و با مرگ پایان نمی یابد؛ بلکه حیات برتری در ادامه آن وجود دارد که آدمیان رخت بر بسته از این جهان پس از رستاخیزی بزرگ در آن سرا فراهم می آیند و به سوی پروردگار خویش بازمی گردند. آن گاه پس از حسابرسی اعمالشان و دسته بندی به نیکوکاران و بدکاران در جایگاه های ویژه خویش، بهشت یا جهنم، مستقر می شوند. در قرآن کریم با اذار و تبشیر انسان ها را به آخرت توجه داده و برای رسیدن به سعادت جاوید در سرای دیگر باید و نبایدهای رفتاری و اخلاقی را مطرح کرده که سبک زندگی اسلامی را شکل می دهند. عشق و محبت انسان به خداوند ﷻ و باور او به بازگشت به جهان ابدی که از نگاه قرآن حتمی است و نیز باور به حسابرسی اعمال و رسیدن به پاداش یا کیفر اعمال انسان را متوجه آینده نگری ساخته و در او انگیزه ای پدید می آورد که دستورات شارع را به کار بندد و در صراط مستقیم گام بردارد. پاداش های بی حساب و مجازات های شدیدی که در آخرت مقرر شده، آشکار شدن اسرار ضمیر انسان در قیامت در محضر ربوبی و دیگر شاهدان، جاودانگی در بهشت یا دوزخ، بهره مندی از نعمات یا نقمات و فرجامی همراه با رضایت خداوند ﷻ یا غضب او و در نتیجه رستگاری یا شقاوت همه می توانند انسان باورمند به آخرت را به بهره گیری از وسایل نزدیکی به جوار پروردگار خویش و حیات طیبه اخروی رهنمون سازند. در کتاب آسمانی اسلام به بهره جویی از وسایل برای ارتقای مرتبه وجودی تا شهود وجه الله سفارش شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده، ۳۵). عبادات و فرائض دینی از جمله این وسایل تقرب هستند. در اثر همین مجاهدت های عملی در راه بندگی خداوند ﷻ راه های هدایت بر انسان نمایان (عنکبوت، ۶۹) و با همین تلاش های مداوم در مسیر کمال و هدف غایی به ملاقات پروردگار خویش نائل می شود (انشقاق، ۶) که تحقق نهایی آن در آخرت است.

بنابراین انسان مؤمن بر پایه اعتقاد به توحید و معاد که باورمندی به حضور در محضر ناظری دانا و بینا را در او پدید می آورد، سبک زندگی ویژه‌ای را برای خویش برمی‌گزیند که در آن انجام اوامر و نواهی الهی حاکم است و اشتیاق مطلوب و آگاهانه‌ای به پرستش و اعمال عبادی تا حد اُنس به انیس‌المشتاقین پیدا می‌کند؛ زیرا آخرت‌باوری نشاط و بالندگی را در انسان ایجاد می‌کند، غفلت را از انسان می‌زداید، وابستگی او را به تعلقات دنیوی می‌کاهد، او را به انجام خوبی‌ها و نیکی‌ها سوق می‌دهد و از چیرگی خواهش‌های نفسانی و آلودگی‌ها می‌رهاند. همچنین با هشیاری و بصیرتی که در انسان ایجاد می‌کند او را مسئولیت‌پذیر و متعهد به انجام تکالیف فردی و اجتماعی خویش می‌سازد. در کلام امیر عبادت‌گران (علیه السلام) در نهج البلاغه میزان بینش انسان به ارکان اعتقادی در اشتیاق بیشتر او به انجام دستورات خداوند (جل و علاه) و از جمله انجام عبادات مؤثر است (نک: نهج البلاغه، خطبه ۱، ۹۷ و ۱۹۳ و حکمت ۲۳۷). عبادات شاخه‌های درخت تکبر را در هم می‌شکند و از رویدن خودپرستی جلوگیری می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). ایشان در وصف اصحاب پارسا و معادباور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند که شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذرانند، صبحگاه چهره‌ای غبارآلوده و موهای ژولیده داشتند، پیشانی و گونه‌های خود را بر خاک می‌ساییدند، با یاد معاد چنان ناآرام بودند که گویا بر آتش ایستاده‌اند، بر پیشانی‌شان از سجده‌های طولانی پینه بسته بود، نام خدا که برده می‌شد چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنان تر می‌شد و چون درخت در روز تندباد می‌لرزیدند؛ از کفری که از آن بیم داشتند یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). توصیف سیمای پرهیزکاران در خطبه متقین به خوبی رابطه خداباوری و معادباوری با نوع رفتارهای فردی و اجتماعی و تعهد به وظیفه دین‌داری پارسایان را نشان می‌دهد؛ آن‌ها که چشم از حرام بسته، خداوند (جل و علاه) در جان‌شان بزرگ و دیگران کوچک، بهشت برای آن‌ها چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌هایش به سر می‌برند و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند. آن‌ها مشکلات دنیا را برای آسایش جاودانه قیامت به جان می‌خرند و دنیا نمی‌تواند آن‌ها را بفریزد یا اسیر خود سازد. شب‌ها به عبادت می‌ایستند و در قرآن تفکر می‌کنند. با آیات نویددهنده به بهشت اشتیاق بهشت در آن‌ها دوجندان و با آیات اندازی آن گویی شعله‌های آتش در گوشان طنین افکن می‌شود؛ پس با عبادت از خداوند (جل و علاه) آزادی خویش از آتش جهنم را می‌طلبند. آن‌ها در شیوه

زندگی میانه‌رو، فروتن، مشتاق دانش، از کردار خود ترسان و از اعمال خویش ناخشنود، در دین‌داری نیرومند، دارای ایمانی پر از یقین، در عبادت فروتن، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، پرهیزکننده از حرص و طمع، از سخن زشت به دور، گفتارش نرم، در خوشی‌ها سپاس‌گزار و در ناگواری‌ها بردبار است. به کسی آزار نمی‌رساند و از محدوده حق خارج نمی‌شود. برای قیامت، خود را به زحمت می‌افکند؛ ولی مردم را به رفاه می‌رساند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۲. بحث

سخنان حضرت علی علیه السلام گستره‌ای از موضوع‌های دنیوی و اخروی را در بر می‌گیرد. یکی از این مقوله‌ها عبادت است که در اشکال متنوع آن از سوی ایشان مطرح شده است. نکته مهم پیوندی است که بین عبادت و آخرت‌باوری و سبک زندگی مؤمنانه برقرار شده است. در ادامه بحث کوشش می‌شود تا برخی از این اعمال عبادی از منظر نهج البلاغه در حد حوصله مقاله مطرح و بررسی شوند.

۱.۲. اطاعت از خداوند

اطاعت از خداوند یکی از اعمال عبادی انسان‌های مؤمن و متقی است. انسان مؤمن در فرهنگ اسلامی کسی است که به خداوند تعالی، رسولان، قرآن، عالم غیب و آخرت باور داشته باشد و اعمال عبادی را انجام دهد (برای نمونه: بقره، ۲ تا ۴). اطاعت از خداوند تعالی به جهت خالق بودن و حکیم بودن و دیگر صفات او آثار مثبتی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در دنیا و آخرت مترتب می‌کند. خداوند تعالی در آیات زیادی به اطاعت از خود دستور می‌دهد و در آیات متعددی نیز درباره فواید اطاعت از خویش سخن می‌گوید؛ برای نمونه: «هر که از خداوند تعالی و رسول او صلی الله علیه و آله اطاعت کند حَقاً که به کامیابی بزرگی دست یافته است.» (احزاب، ۷۱). اطاعت از خداوند تعالی عبارت است از اینکه عمل را مطابق شرع او انجام دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۲۰۱).

امام علی علیه السلام در بیان فلسفه اطاعت از خدا می‌فرماید: «خداوند تعالی حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پاداش آن را دوچندان کرده است؛ از روی بخشندگی و گشایشی که خواسته به بندگان عطا فرماید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). همچنین یکی از کارکردهای اطاعت الهی را ایمن ماندن از عذاب و کسب سعادت اخروی معرفی

می‌کنند: «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت و کيفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به‌سوی بهشت کشاند.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸). در کلامی دیگر می‌فرمایند: «از خداوند ﷻ می‌خواهیم ما را چیزی از اطاعت پروردگار ﷻ باز ندارد و پس از فرا رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند.» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴).

خداوند به اطاعت انسان نیازی ندارد و منتفع حقیقی در رابطه انسان و خداوند ﷻ فقط انسان است. هرآنچه که خداوند ﷻ مقرر کرده است بی‌گمان برای سعادت انسان بوده؛ هرچند که از دید انسان برخی از این دستورات تلخ و دشوار باشد. اطاعت از خداوند ﷻ می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای نزدیک شدن به سبک زندگی که خداوند ﷻ برای بندگان خود طراحی کرده و تضمین کرده که با عمل به آن بهترین زندگی را در سرای آخرت برای آنان فراهم کند؛ هرچند که عمل به این سبک افزون‌بر تأمین سعادت اخروی تنظیم مناسبات زندگی دنیوی را نیز در پی دارد.

۲.۲. انجام واجبات

یکی از محوری‌ترین اعمال عبادی انجام واجبات است. امام علی (علیه السلام) انجام واجبات را پایه و اساس عبادات می‌دانند و می‌فرمایند: «عبادت‌ی چون انجام واجبات نیست.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳). اینکه امام (علیه السلام) هیچ عبادتی را مانند انجام واجبات نمی‌دانند به این دلیل است که امر واجب از غیر واجب ارزشمندتر است (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۵۱۰). امام علی (علیه السلام) در وصیت خویش به فرزندش او را به انجام واجبات تشویق می‌کنند: «پسر! بدان آنچه بیشتر دوست دارم از وصیت من به کارگیری انجام واجبات است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در کلامی دیگر می‌فرمایند: «واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). منظور این است که نیروی خود را صرف ادای واجبات کنید و هرگاه نیرویی افزون‌تر داشتید به سراغ مستحبات و فضائل بروید؛ زیرا آنچه پیش از هر چیز انسان را به‌سوی بهشت می‌برد ادای فرائض و واجبات است (مکارم، ۱۳۹۰: ج ۶، ۴۲۹). به نظر می‌رسد یکی از وجوه فلسفه مقرر کردن واجبات ازسوی خداوند ﷻ تذکر و تمرین و پابندی انسان به رعایت حقوقی است که بر ذمه‌اش است؛ زیرا بدیهی است که خداوند هیچ‌گونه نیازی به عبادت و پرستش ازسوی ما و هیچ موجود دیگری ندارد. شاید یکی از دلایل واجب کردن آن جلوگیری از

به وجود آمدن روحیه لایبالی‌گری و تکبر و بی‌توجهی و دست‌اندازی به حقوق دیگران باشد و می‌شود چنین استنتاج کرد که انجام واجبات از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و اعمالی است که نمایان‌گر سبک زندگی افراد است؛ به گونه‌ای که با مشاهده انسانی که به انجام واجبات اهتمام می‌ورزد می‌شود به میزان اهمیتی که برای باورهای خود که دستورات خداوند است، قائل است و در نتیجه تا حدودی به سبک زندگی او پی‌برد و می‌توان از چنین فردی انتظار رفتارهای نیکو و پسندیده دیگری نیز داشت.

۳.۲. نماز خواندن

نماز مهم‌ترین عمل عبادی انسان برای ارتباط با خداوند ﷻ است. خداوند ﷻ خطاب به حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «به‌یقین این منم خدای یکتا که جز من معبودی نیست؛ پس مرا پرستش کن و نماز را به یاد من بر پا دار.» (طه، ۱۴). این فریضه از آن دسته کنش‌های عبادی است که تأثیر به‌سزایی در اعمال انسان در همه زمینه‌ها دارد. برای نمونه در قرآن آمده است که «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵) و «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵). علامه طباطبائی رحمه الله کمک گرفتن از نماز را به‌دلیل لزوم حفظ ارتباط با خداوند ﷻ به‌وسیله آن می‌داند؛ زیرا نماز که اقبال به خداوند ﷻ و پناهنده شدن به اوست روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند که به جایی تکیه دارد که انهدام‌پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره‌شدنی نیست (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۲۹). این آیات بیانگر لزوم کمک گرفتن انسان از نماز به‌دلیل اثرات مفید و سازنده‌اش در زندگی اوست.

امام علی علیه السلام نماز را یکی از جلوه‌ها و مظاهر سبک زندگی مسلمانان می‌داند: «إِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). همچنین امام علیه السلام از آن به‌عنوان عامل نزدیکی به خدا یاد می‌کنند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِي.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶). ایشان در بیان تأثیرگذاری نماز بر دیگر رفتارهای انسان می‌فرمایند: «بدان که تمام کردار خوبت در گروی نماز است.» (نهج البلاغه، نامه ۲۷). با توجه به این کلام امام علیه السلام نماز خواندن یا ترک آن و سبک‌شمردن و بی‌توجهی به کیفیت آن در زندگی انسان تأثیرگذار است؛ برای مثال نماز بدون حضور قلب مانند جسم بدون روح است؛ زیرا در این گونه نمازها فقط جسم است که در مقابل خداوند ایستاده است و الفاظی را ادا می‌کند

و حرکاتی را انجام می‌دهد؛ اما دل‌وجان آدمی جای دیگری سیر می‌کند؛ بنابراین این گونه نمازها به سبب برقرار نشدن رابطه مطلوب بنده با خداوند ﷻ نمی‌تواند تمام آن اثری را که شارع مقدس در وضع آن به عنوان یک تکلیف عبادی مد نظر داشته ایفا کند.

امام علی علیه السلام در کلامی مفصل به مردم توصیه کرده‌اند که نماز را اقامه و حق آن را حفظ کرده و از طریقش خود را به خداوند ﷻ نزدیک کنند. ایشان نماز را از واجبات خداوند ﷻ بر مؤمنان می‌دانند که در اوقات خاص مقرر شده است؛ بنابراین انجام ندادن این فریضه انسان را دوزخی می‌کند و در آخرت در علت دوزخی شدن خود می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم.» (مدثر، ۴۱ تا ۴۳). در تعبیر آن حضرت علیه السلام نماز گناهان را چونان برگ‌های پاییزی فرومی‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها باز می‌کند. سپس تشبیهی را از قول پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کنند که نماز چون چشمه آب گرمی است که بر در سرای مردی جریان داشته باشد که اگر روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. ایشان با استناد به آیه ۳۷ سوره نور: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.» به این نکته اشاره می‌کنند که برخی از مؤمنان حق نماز را آن‌چنان شناختند که زیور دنیا و اموال و فرزندان آن‌ها را از نماز باز نداشت؛ نمونه آن رسول خدا ﷺ بودند که پس از بشارت به بهشت خود را در نماز خواندن به زحمت می‌انداختند؛ زیرا خداوند ﷻ به ایشان فرموده بود: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه، ۱۳۲)؛ «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش.» و پیامبر ﷺ این دستور را انجام می‌دادند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹).

نماز مسلمان و همه آداب و جلوه‌های ظاهری رفتار او یادآور فرهنگ اسلامی و تبلیغ غیرمستقیم اندیشه توحیدی است؛ بنابراین نباید التزام به آداب را به ظاهرگرایی یا جزئی‌نگری متهم ساخت؛ بلکه با توجه به آثار تربیتی و فرهنگی فراوان این جلوه‌های رفتاری باید پایبندی به آن را بیشتر کرد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲). امام علیه السلام افزون‌بر مطالب فوق به آداب نماز نیز اشاره کرده‌اند که طرح و بحث درباره آن در این مقال نمی‌گنجد.

۴.۲. روزه‌داری

یکی از خالص‌ترین و تأثیرگذارترین رفتارهای عبادی روزه‌داری است. خداوند ﷻ در قرآن کریم روزه را واجب کرده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته و مقرر شده؛ همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد؛ شاید [روحان نیرومند شود و از هواهای نفسانی] پرهیز کنید.» (بقره، ۱۸۳).

امام علی علیه السلام روزه را زکات تن معرفی می‌کنند (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶) و در فلسفه آن می‌فرمایند:

«خداوند بندگان مؤمنش را با [...] و تلاش در روزه‌داری در روزهایی که واجب شده حفظ کرده است تا اعضا و جوارحشان آرام، دیدگانشان خاشع، جان و روانشان فروتن، دل‌هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بریندد و روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت عامل فروتنی است. به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه‌های درخت تکبر را در هم می‌شکند و از روییدن کبر و خودپرستی جلوگیری می‌کند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

روزه صحیح و کاملی که خداوند ﷻ مقرر کرده قطعاً روزه‌ای است که شامل خودداری اعضای بدن از گناه می‌باشد و روزه کامل‌تر این است که افزون‌بر آن، قلب را از یاد غیر خدا بازداشته و از هر چه غیراوست روزه بگیرد. هنگامی که انسان ماهیت روزه و درجات و فلسفه تشریع آن را فهمید ناچار باید از هر گناه و حرامی به‌خاطر قبولی روزه‌اش خودداری کند (ملکی، ۱۳۷۴: ۱۳۶).

همچنین امام علیه السلام در سخنی دیگر فرموده‌اند: «روزه ماه رمضان سپری در برابر عذاب الهی است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). ابن میثم معتقد است:

«اینکه امام علیه السلام روزه ماه رمضان را سپر در برابر عذاب و عقاب الهی تعبیر فرموده و باینکه دیگر عبادات نیز همین صفت را دارند برای این است که روزه بیش از هر عبادت دیگر مانع انسان از معصیت و نگه‌دارنده او از عذاب خداوند ﷻ است؛ زیرا روزه موجب سرکوبی شیطانی است که دشمنان خداوند ﷻ هستند و از هر سو انسان را احاطه کرده‌اند. بدیهی است وسیله و ابزار شیطان امیال و شهوات آدمی است و آنچه رغبت‌ها و شهوت‌ها

را تقویت می‌کند و آن‌ها را برمی‌انگیزد خوردن و آشامیدن است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «شیطان مانند خون در وجود فرزند آدم رسوخ و جریان دارد؛ پس راه‌های ورودش را با گرسنگی تنگ سازید.» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۱۲۱).

بی‌گمان روزه در سرکوب شیطان و بستن راه‌ها و تنگ کردن گذرگاه‌های او از هر عبادت دیگر مؤثرتر و قوی‌تر است؛ چون عذاب و عقابی که متوجه انسان می‌شود به‌نسبت دوری و نزدیکی او به شیطان متفاوت بوده و شدت و ضعف دارد و روزه بیش از هر عبادت دیگر انسان را از شیطان دور می‌کند. به‌سبب این عبادت می‌توان در نهایت دوری از عذاب خداوند ﷻ قرار گرفت؛ لذا به سیر در برابر عذاب خداوند توصیف شده و این ویژگی به آن داده شده است (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۳۸).

۵.۲. حج گزاردن

حج که یکی از فروع دین نیز به شمار می‌رود جزو اعمال عبادی انسان است و فریضه‌ای است جهان‌شمول و دارای ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مادی و معنوی که هریک در جای خود شایان توجه و تأمل است. از این ابعاد که روح حج را تشکیل می‌دهند کمال انسانی، تزکیه نفس، تخلّق به اخلاق فاضله و تأدّب به آداب حسنه اسلامی هستند که از یک سو در پربار شدن معنویات حج و عمره نقش اساسی دارند و منابع روایی رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای را در این باره ارائه می‌دهند و ازسوی دیگر آثار درخشانی هستند که حج و زیارت در پالایش روح و تکامل نفس و رشد اخلاقی و فردی و اجتماعی بر جای می‌نهد و با هدف انسان‌سازی در ارتباط است (رهبر، ۱۳۸۳: ۱۳). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران، ۹۷). هدف اصلی از تشریع حج و سایر عبادات تقویت بُعد روحانی انسان است. بعضی از عبادات باعث دور شدن صفات بد بوده و بعضی دیگر در متصف شدن به صفات نیک مؤثرند و بعضی از آن‌ها نیز هر دو جنبه را دارند که حج این گونه است. حج دارویی الهی و مرکب از اجزای بسیار نافع برای بیماری‌های دل است. بیماری‌هایی که قلب را از عالم نور بازمی‌دارند؛ مثلاً خرج کردن در حج بیماری بخل را معالجه کرده و تواضع و خواری در اعمال حج، طواف و نماز، مرض تکبر را معالجه می‌کنند و تحمل سختی‌های اعمال تبلی را معالجه می‌کند (ملکی، ۱۳۷۴: ۲۶۳ و ۲۶۴).

امام علی علیه السلام نیز به فلسفه وجوب حج از سوی خداوند اشاره می‌فرماید:

«خدای سبحان تعالی کعبه را برای اسلام نشانه گویا و برای پناهندگان خانه امن وامان قرار داد. ادای حق آن را واجب کرد و حج بیت‌الله را واجب شمرد و بر همه شما انسان‌ها مقرر داشت که به زیارت آن بروید و فرمود: «آن که توان رفتن به خانه خدا را دارد حج بر او واجب است و آن که انکار کند خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

در جایی دیگر حج را شستشودهنده گناهان و نابودکننده فقر معرفی می‌کنند: «حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَاؤُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَرْحَصَانِ الدَّنْبَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). آنچه امام علیه السلام در این جا فرموده‌اند این است که حج و عمره فقر و ناداری را از میان می‌برد و گناهان را می‌شوید؛ بنابراین در این واجب سود دنیا و آخرت گرد آمده است؛ اما سود دنیوی حج و عمره از میان بردن ناداری است؛ چون در موسم حج دادوستد به جریان می‌افتد و در آن هنگام بازارها در مکه بر پا می‌شود؛ در نتیجه فقر از میان می‌رود و سود آخرت به سبب این است که حج و عمره گناهان را از صحیفه اعمال انسان می‌شوید (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۳۹).

حج یکی از مظاهر سبک زندگی اسلامی است که بیانگر باور به توحید است. در بُعد اجتماعی صحنه حج گزاردن مسلمانان، نمایشی از وحدت و اقتدار اسلام و مسلمانان و بهترین و مؤثرترین راه معرفی اسلام حقیقی است. در بُعد فردی نیز حج خالی کردن دل از غیر خدا و بذل کامل توجه به خداوند تعالی است. این رفتار عبادی که با سختی‌های سفر و... همراه است جان انسان را از شیرینی محبت الهی سرشار می‌سازد. حج جامع تمام رفتارهای اعتقادی و عبادی است. از کسب معرفت، یقین، تعمیق ایمان و بهبود رابطه گرفته تا نماز خواندن، تلاوت قرآن، توبه، اقرار به بزرگی خدا و...؛ بنابراین با توجه به جامع بودن آن تأثیر بیشتری نیز در افزایش معنویت انسان و توجه او به مسائل اخروی و تلاش برای به دست آوردن آخرتی پربار دارد.

۶.۲. تلاوت قرآن و عمل به آن

تلاوت قرآن و تأمل در معارف آن و پیش‌گامی در عمل به دستوراتش یکی از کلیدی‌ترین اعمال عبادی به شمار می‌رود؛ چراکه قرآن مهم‌ترین منبع تعلیمات

حیات بخش اسلام است. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (مزمل، ۲۰)؛ «هرچه از قرآن میسر شد بخوانید.» پیامبر ﷺ نیز درباره تلاوت قرآن می فرمایند: «از خواننده قرآن بلای آخرت دفع می شود.» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۲۹). اهمیت و اثر تلاوت قرآن بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه تلاوت آیات قرآن مقدمه تأمل در آیات و عمل به آن هاست؛ اما آنچه بیش از تلاوت قرآن اهمیت دارد پیش گامی در عمل به دستورات و پندواندازهای قرآن و منطبق کردن شیوه زندگی در امور کوچک و بزرگ با این کتاب زندگی است. امام علی (علیه السلام) قرآن را جامع ترین کتاب زندگی می دانند که هیچ چیزی در آن فروگذار نشده است:

«کتاب پروردگار ﷻ میان شماست که بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پند و مثل، مطلق و مقید، محکم و متشابه می باشد. عبارات مجمل خود را تفسیر و نکات پیچیده خود را روشن می کند. واجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست.» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

این سخن امام (علیه السلام) دلالت می کند که اصول تمام نیکی ها و بدی ها، واجبات و محرمات، فضائل و رذائل، اعتقادات صحیح و انحرافی در قرآن مجید بیان شده و در واقع تعبیر دیگری از «بَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است که در خود قرآن آمده است (مکارم، ۱۳۹۰: ج ۶، ۴۲۸). امام (علیه السلام) در کلامی دیگر می فرمایند: «[بنده مخلص خدا] اختیار خود را به قرآن سپرده و قرآن را راهبر و پیشوای خود قرار داده است. هر جا که قرآن بار اندازد فرود آید و هر جا که قرآن جای گیرد مسکن گزیند.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). برنامه ای که قرآن برای زندگی ارائه می کند دربرگیرنده تمام ابعاد زندگی انسان و تضمین کننده سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی اوست. به هر میزانی که انسان آموزه ها و دستورهای قرآن را در زندگی خویش به کار بندد به همان میزان به موفقیت و سعادت می رسد و هر اندازه که از آن فاصله بگیرد و درباره آن کوتاهی کند به همان میزان از هدف اصلی دور خواهد شد و دچار ضرر و زیان می شود.

امام (علیه السلام) می فرمایند: «در روز قیامت ندادهنده ای بانگ می زند که: "آگاه باشید امروز هرکس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده؛ جز اعمال منطبق با

قرآن؛ پس شما در شمار عمل‌کنندگان به قرآن باشید و از قرآن پیروی کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). امام علی (ع) در این کلام ضمن دعوت مردم به عمل به دستورات و آموزه‌های قرآن اشاره می‌کند که هر عملی از اعمال شما منطبق با قرآن باشد پذیرفته است.

۷.۲. شب‌زنده‌داری و نماز شب خواندن

یکی از دشوارترین و در عین حال شیرین‌ترین عمل عبادی تهجد (شب‌زنده‌داری) و خواندن نماز شب است. خداوند ﷻ خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَمِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا» (مزمّل، ۲). در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء، ۷۹). امام علی (ع) نیز یکی از اوصاف یاران شهید خود را رنگ زرد صورت ناشی از شب‌زنده‌داری معرفی می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱). همچنین در خطبه غراء (نهج البلاغه، خطبه ۸۳)، شب‌زنده‌داری را نشانه خردمندی می‌دانند. رابطه ترس از معاد و شب‌زنده‌داری در این کلام امام علی (ع) کاملاً مشهود است:

«خوشا به حال آن کس که [...] در راه خداوند ﷻ هرگونه سختی و تلخی را به جان خریده و به شب‌زنده‌داری پرداخته است و اگر خواب بر او چیره شده بر روی زمین خوابیده و کف دست را بالین خود قرار داده و در گروهی است که ترس از معاد خواب را از چشمانشان ربوده و پهلوی از بسترها گرفته و لب‌هایشان به یاد پروردگار ﷻ در حرکت و با استغفار طولانی گناهان را زدوده‌اند: "آنان حزب خداوند ﷻ و همانا حزب خداوند ﷻ رستگار هستند."» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۸.۲. شکرگزاری

از مسائلی که فرهنگ اسلامی و به‌ویژه امام علی (ع) در نهج البلاغه بدان تأکید کرده‌اند کثرت شکر است؛ به گونه‌ای که سپاس‌گزاری را یکی از اوصاف مؤمنان معرفی می‌کند. در حقیقت سپاس‌گزاری یکی از مؤلفه‌هایی است که انجام آن تأثیر به‌سزایی در توجه انسان به خداوند ﷻ و تحکیم ارتباط با او دارد و یکی دیگر از ملزومات حرکت به سمت آخرت‌باوری است. شکر به معنای فهم و اعتراف به نعمت و نعمت‌دهنده و ابراز

این دو حقیقت است (مدرسی، بی تا: ۵۱). از آنجایی که نعمت دهنده حقیقی خداوند ﷻ است بیشترین و بهترین سپاس‌گزاری‌ها را باید از او به عمل آورد.

امام علی (علیه السلام) در موارد متعددی به اهمیت کثرت شکر اشاره کرده‌اند: «ای مردم! شما را به تقوای الهی و کثرت ستایش خداوند ﷻ برای عطایایی که به شما نازل کرده توصیه می‌کنم.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸)؛ تا جایی که پرهیزکاران را بندگان شاکر معرفی می‌کنند:

«شما را به تقوای خداوندی ﷻ توصیه می‌کنم؛ زیرا تقوا حق خداوندی ﷻ بر ذمه شماست. همواره تقوای خود را بر اقوام و ملل گذشته و پوسیده در زیر خاک‌ها عرضه کرده است؛ زیرا فردا همه آنان به نتایج آن صفت سازنده نیازمند خواهند بود و در آن هنگام که خداوند ﷻ آنچه را ایجاد کرده بود برگرداند و آنچه را که داده بود بازگیرد و از احسانی که فرموده بود سؤال کند؛ پس چه اندک‌اند کسانی که تقوا را قبول کنند و آن‌چنان که شایسته تقواست به آن عمل کنند. آنان در شمارش در اقلیت‌اند و آنان هستند که خداوند سبحان در کتاب عزیزش توصیف کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: "و اندک‌اند بندگان سپاسگزار من."» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

در اندیشه امام علی (علیه السلام) شکر کردن به دو نوع زبانی و عملی تقسیم می‌شود و حداقل مرتبه شکر عملی این است که انسان به وسیله نعمت دست به نافرمانی خداوند ﷻ نزند. امام علی (علیه السلام) با اشاره به اینکه انسان در مقابل نعمت‌های خداوند ﷻ مسئول است می‌فرماید: «حق خداوند ﷻ بر عهده شما اینکه از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰). از نکته‌های مهمی که نباید در مسئله شکر غفلت شود شکر نعمت‌های باطنی و معنوی است. انسان‌ها در بسیاری از اوقات به خاطر محسوس بودن نعمت‌های ظاهری و مادی فقط به چنین نعمت‌هایی توجه دارند و از نعمت‌های معنوی و باطنی که معمولاً با نعمت‌های ظاهری قابل قیاس نیستند غافل می‌شوند و این خسران بزرگی است (مدرسی، بی تا: ۳۶).

با توجه به اینکه شکر نعمت باعث ازدیاد و تداوم نعمت‌های الهی می‌شود رابطه مستقیم و معناداری بین شکر و رابطه با خداوند ﷻ وجود دارد؛ زیرا با این اوصاف امید

بهره‌مندی از نعمت‌های فراوان خداوند در دل ایجاد می‌شود و به‌عنوان یک محرک و ابزار برای سپاس‌گزاری بیشتر عمل می‌کند.

۹.۲. توبه کردن

استغفار کردن نیز یکی از رفتارهای عبادی و دری است که خداوند ﷻ آن را از روی رحمت بی‌منتهای خویش و عشقی که به بندگان خود دارد به‌روی آن‌ها گشوده است. پیامبر ﷺ درباره اهمیت آن می‌فرماید: «استغفار بهترین عبادت است.» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۵، ۳۵۷). امام علی ﷺ درباره فراهم بودن زمینه توبه می‌فرماید:

«خداوند ﷻ [در صورت ارتکاب گناه در توبه را مسدود نکرده است و در کيفر تو شتاب نداشته و در توبه و بازگشت بر تو عیب نگرفته است. در آنجا که رسوایی سزاوار توست رسوا نساخته و برای بازگشت به خویش شرایط سنگینی مطرح نکرده است. در گناهان تو را به محاکمه نکشیده و از رحمت خویش ناامیدت نکرده؛ بلکه بازگشت تو از گناهان را نیکی شمرده است. هر گناه تو را یکی و هر نیکی تو را ده به حساب آورده و راه بازگشت و توبه را به‌روی تو گشوده است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

استغفار یکی از راه‌های بازگشت به سمت خداوند ﷻ است و اثرات بسیار مثبتی در کیفیت زندگی انسان می‌گذارد. وقتی انسان گناهی مرتکب می‌شود احساس شرمساری ناشی از آن گناه و عذاب وجدان باعث اختلالاتی در روان او می‌شود؛ به‌خصوص زمانی که گناهان سنگینی مرتکب شده باشد. در این صورت این افکار یأس‌آور مشکلات روحی زیادی را برای انسان پدید می‌آورند و باعث انفعال و کاهش انرژی او می‌شوند؛ اما نکته مهم این است که خداوند ﷻ بیش از هرکس دیگری بندگان را دوست دارد؛ از این رو می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳). این آیه از امیدبخش‌ترین آیات قرآن است و به همه گناهکاران مژده بخشش می‌دهد.

نکته مهم دیگر این است که نباید توبه و استغفار را به تأخیر انداخت و با امید بی‌جا به گناهان خویش ادامه داد. امام علی ﷺ می‌فرماید: «مانند کسی نباش که بدون عمل به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد.» (نهج البلاغه، حکمت

۱۵۰. در کلامی دیگر نیز همگان را به استفاده از فرصت حیات برای توبه و جبران خطاها سفارش می‌کنند:

«ای بندگان خداوندﷻ، هم‌اکنون به اعمال نیکو پردازید؛ تا ریسمان‌های مرگ بر گلوی شما سخت نشده و روح شما برای کسب کمالات آزاد است و بدن‌ها راحت و در حالتی قرار دارید که می‌توانید مشکلات یکدیگر را حل کنید. هنوز مهلت دارید و جای تصمیم و توبه و بازگشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید پیش‌از آنکه در شدت تنگنای وحشت و ترس و نابودی قرار گیرید، پیش‌از آنکه مرگ درانتظارمانده فرا رسد و دست قدرتمند خدای توانا شما را بگیرد.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

۱۰۲. دعا کردن

دعا کردن در فرهنگ اسلامی از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است و طبق سخن پیامبر ﷺ یکی از اصلی‌ترین اعمال عبادی به شمار می‌رود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۷). آدمی دارای ظرفیت و استعداد دریافت وحی که پیامبران به اذن الهی دارا بودند و نیز الهام است و از این طریق با خداوند متعال و فرشتگان الهی ارتباط دارد و از آنجایی که دارای بُعد فرامادی است از عوامل فرامادی، چه نیک و چه بد، مانند نیایش یا اغواگری شیاطین تأثیر می‌پذیرد (ناصری جزه، ۱۳۹۳: ۸). دعا در لغت به معنای ندا (صدا زدن) است: «دَعَوْتُ فُلَانًا: یعنی: او را صدا زدم.» و در اصطلاح بدین معناست که فرد پست و پایین از فرد برتر و بالا با حالت خضوع و سرافکنندگی چیزی را طلب کند (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵: ۱۹).

خداوندﷻ در قرآن کریم انسان را به دعا و درخواست از خویش فرا می‌خواند: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر، ۶۰). دعا اعتراف به بندگی و اظهار خشوع و خضوع به پیشگاه خداوندﷻ و وسیله‌ای برای رسیدن به درجات عالی معرفت و عطایای بزرگ الهی است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۲۲). به نوشته مطهری:

«از نظر جهان‌بینی الهی جهان هم شنواست و هم بینا. ندا و فریاد جاندارها را می‌شنود و به آن‌ها پاسخ می‌دهد؛ به همین جهت دعا یکی از علل این جهان است که در سرنوشت انسان مؤثر است. جلوی جریان‌هایی را می‌گیرد و یا جریان‌هایی به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر دعا یکی از مظاهر قضا و قدر است که در سرنوشت حادثه‌ای می‌تواند مؤثر

باشد یا جلوی قضاوقدری را بگیرد.» (مطهری، بی تا: ۷۹).

در سیره گفتاری و عملی امام علی علیه السلام اهتمام به دعا و سفارش آن به دیگران کاملاً مشهود است. ایشان در کلامی که بهترین و جامع ترین منشور تربیتی به شمار می رود به فرزندش امام حسن علیه السلام توصیه می کنند:

«بدان! خدایی که گنج های آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه درخواست داده و اجابت آن را به عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند و درخواست رحمت کنی تا ببخشد و خداوند تعالی بین تو و خودش کسی را قرار نداده تا حجاب و فاصله ایجاد کند و تو را مجبور نساخته که به شفیع و واسطه ای پناه ببری.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

همچنین آداب دعا کردن را آموزش می دهند: «در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست و فراوان از خداوند تعالی درخواست خیر و نیکی داشته باش.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

امام علی علیه السلام در برخی مواقع به صورت مستقیم راهنمایی می کنند که چه چیزهایی را از خداوند تعالی بخواهید: «از گنجینه های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی تواند عطا کند؛ مانند عمر بیشتر و تندرستی بدن و گشایش در روزی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در برخی موارد نیز با دعا کردن، ضمن بیان سخنان خویش درباره موضوعی خاص، به صورت غیرمستقیم شیوه دعا کردن و چیزهایی را که بهتر است انسان از خداوند تعالی بخواهد آموزش می دهند:

«خدایا! از من درگذر آنچه را از من بدان داناتری و اگر بار دیگر به آن بازگردم تو نیز به بخشایش بازگرد. خدایا! آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم ببخشای. خدایا! ببخشای آنچه را که با زبان به تو نزدیک شدم؛ ولی با قلب آن را ترک کردم. خدایا! ببخشای نگاه های اشارت آمیز و سخنان بی فایده و خواسته های بی مورد دل و لغزش های زبان را.» (نهج البلاغه، خطبه ۷۸).

این توجه زیاد قرآن کریم و امام علی علیه السلام به موضوع دعا نشان دهنده جایگاه مهم آن در رابطه انسان با خداوند تعالی است و مشخص می کند که تا چه اندازه در زندگی دنیوی

انسان و رقم زدن آخرتی بهتر مؤثر است؛ زیرا دعا افزون بر ایجاد آرامش روانی و زنده کردن روح امید و حرکت حاوی بهترین و کاربردی‌ترین آموزه‌ها برای زندگی بهتر در دنیا و آخرت است. در دعا کردن به سبب توجه به خداوند ﷻ و اعمال خویش انگیزه برای جبران خطاها بیشتر می‌شود؛ به گونه‌ای که انسان متوجه می‌شود برای اینکه بتواند در حضور خداوند ﷻ بایستد و با او سخن بگوید لازم است به اشتباهات و ناچیزی خود و بزرگی خداوند ﷻ اعتراف کند. اینجاست که روح امید و حرکت را در انسان برای به دست آوردن رضایت خداوند ﷻ و فردایی بهتر زنده می‌کند و دیگر رفتارهای او را نیز تحت تأثیر قرار داده و به زندگی او جهت می‌دهد.

۱۱.۲. رعایت اخلاص

در منابع اسلامی یکی از ویژگی‌های مؤمنان اخلاص ذکر شده است. خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (بینه، ۵)؛ «با آنکه آن‌ها [در این کتاب آسمانی] مأمور نشده‌اند جز به آنکه خدا را پرستند؛ درحالی که اعتقاد و دین و طاعت خود را برای او خالص کنند.» پیامبر ﷺ در بیان اهمیت اخلاص می‌فرماید: «بِالْإِخْلَاصِ تَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ» (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۱۹)؛ «تفاوت و برتری درجات مؤمنان بر یکدیگر به اخلاص است.»

امام علی علیه السلام در کلام خویش تأکید ویژه‌ای بر اخلاص کرده و بارها به رعایت اخلاص و درست کردن نیت‌ها سفارش کرده‌اند: «برای خداوند ﷻ اعمال خویش را خالص کرده؛ آن‌چنان که خداوند ﷻ پذیرفته است.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). اخلاص به منزله شاکله‌ای برای تمامی اعمال انسان است. عملی که با اخلاص صورت گیرد گرچه اندک باشد پذیرفته است و بالعکس. امام علی علیه السلام به نهی از ریا در اعمال توصیه می‌فرماید: «عمل نیک انجام دهید؛ بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید؛ زیرا هرکس کاری برای غیر خدا انجام دهد خداوند ﷻ او را به همان غیر واگذارند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). عمل بدون اخلاص خسران بزرگی است؛ زیرا باینکه برای انجام آن عمل زمان و هزینه یا هرچیز دیگری اختصاص داده است، در پایان پاداشی دریافت نخواهد کرد؛ بلکه به گناه شرک و توجه به غیر خدا هم دچار شده است.

۱۲.۲. خشنود بودن از خداوند

راضی بودن به رضای خداوند و تلاش برای خشنود کردن او از خویش از مهم‌ترین کنش‌های عبادی بندگان برای پرورگار است. در قرآن کریم و روایات توصیه‌های بسیاری شده که انسان در کارهای خود رضای خداوند را هدف قرار دهد و خود نیز از خداوند راضی باشد. در این باره آیات ۸ سورة بینه و ۷۲ سورة توبه شاهد مثال است. علامه طباطبائی با توجه به سیاق آیه ۷۲ سورة توبه معنای «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» را این می‌داند که خشنودی خداوند از همه این نعمت‌های بهشتی بزرگ‌تر و ارزشمندتر است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۵۶).

امام علی علیه السلام تلاش برای خشنودی خداوند را نشانه خردمندی می‌داند و می‌فرماید: «از خداوند چون خردمندان بترسید که [...] در فراهم آوردن خشنودی خداوند با رغبت تلاش کرده‌اند.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳). در نظر گرفتن رضای خداوند و راضی بودن به رضای او با آخرت‌باوری رابطه مستقیم دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آن‌کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خشنود است.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹). طبق کلام امام علی می‌توان گفت که یاد مرگ موجب رضایت از داشته‌ها و نداشته‌ها و نهایتاً خشنودی از خداوند می‌شود. رضایت انسان از زندگی و خداوند طلیعه رفتارهای نیک و پسندیده است و اینکه انسان سعی کند رضای خداوند را محور تمام افعال خویش قرار دهد انگیزه و محرکی برای برپایی شیوه زیست اسلامی است.

۱۳.۲. تفکر در آفرینش

آیات متعددی از قرآن کریم انسان‌ها را به تفکر در خلقت آسمان‌ها، زمین، انسان، طبیعت، حیوانات و امور دیگر دعوت می‌کند (آل عمران، ۱۹۱؛ یونس، ۱۰۱). براساس این آیات هرآنچه خداوند آفریده است هدف‌دار بوده و نشانه‌ای از یگانگی خداوند و قدرت و حکمت اوست و باید در آن اندیشه کرد. از نظر اسلام عبادت منحصر به عبادات بدنی مانند نماز و روزه و عبادات مالی مانند خمس و زکات نیست؛ نوعی دیگر از عبادت هم هست و آن عبادت فکری است. تفکر اگر در مسیر بیداری انسان قرار گیرد عبادت فکری محسوب شده و از سال‌ها عبادت بدنی برتر است (مطهری، ۱۳۵۷: ۸۴). امام

علی علیه السلام تفکر در نعمت‌های خداوند جل جلاله را بهترین عبادت می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۱).

یکی از مسائلی که قرآن به تفکر در آن دعوت می‌کند زنده شدن زمین و درختان و گیاهان در فصل بهار است (روم، ۵۰). این دعوت به تفکر برای هدایت اذهان به سمت قدرت خداوند جل جلاله و اثبات معاد برای آنان است. امام علی علیه السلام مخلوقات را تجلی خداوند جل جلاله و نشانه قدرت او معرفی می‌کنند: «ستایش خدایی را سزاست که با آفرینش مخلوقات، بر انسان‌ها تجلی کرد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸). ایشان با بیان شگفتی‌های آفرینش آسمان‌ها، زمین، انسان‌ها، حیوانات و... مردم را به تفکر در قدرت خداوند جل جلاله دعوت می‌کنند؛ برای نمونه درباره دعوت به تفکر در خلقت انسان می‌فرمایند:

«اگر مردم در عظمت قدرت خداوند جل جلاله و بزرگی نعمت‌های او می‌اندیشیدند به راه راست بازمی‌گشتند و از آتش سوزان می‌ترسیدند؛ اما دل‌ها بیمار و چشم‌ها معیوب است. آیا به مخلوقات کوچک خداوند جل جلاله نمی‌نگرند که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید و ترکیب اندام آن را برقرار و گوش و چشم برای آن پدید آورد و استخوان و پوست متناسب خلق کرد. به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود. نگاه کنید چگونه روی زمین راه می‌رود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵).

این‌ها بخشی از موضوعاتی است که شایسته است انسان درباره آن‌ها فکر کند تا از این رهگذر به قدرت خداوند جل جلاله پی ببرد. تفکر در این مسائل می‌تواند بر رفتار انسان تأثیرگذار باشد و او را بر آن دارد که مراقب رفتار خود باشد و با تأثر از این همه نظم و حکمت و هدفمندی که در خلقت به کار رفته است بر مدار آخرت‌گرایی سبک زندگی خود را اصلاح کند.

۱۴.۲. فروتنی در مقابل خداوند جل جلاله

خشوع در برابر خداوند جل جلاله و بزرگ داشتن او از دیگر اعمال عبادی است که در فرهنگ دینی از نشانه‌های اهل ایمان و پارسایان ذکر شده و انسان‌ها به آن فراخوانده شده‌اند (انفال، ۲ تا ۴؛ مؤمنون، ۱ تا ۱۰ و ۵۷؛ انبیاء، ۴۹؛ ملک، ۱۲). از نظر علامه

طباطبایی رحمته الله علیه خشوع برخلاف خضوع که رفتاری ظاهری است و در اعضا و جوارح شخص بروز می‌کند، عملی قلبی و منشأ بروز خضوع است؛ براین اساس خشوع حالتی است که بر اثر مشاهده عظمت خداوند جل جلاله در قلب انسان پدید می‌آید و سبب انقطاع او از غیر خدا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۳۰۷ و ج ۱۶، ۴۷۰).

امام علی علیه السلام فروتنی در مقابل خداوند جل جلاله را یکی از اوصاف پرهیزکاران معرفی می‌فرمایند: «اما پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند. [...] خداوند جل جلاله در جان‌شان بزرگ و دیگران کوچک‌مقدارند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). بحرانی در شرح این عبارت که خداوند جل جلاله در نظر آنان بزرگ است می‌نویسد:

«درک عظمت حق تعالی برحسب انگیزه‌ها و جاذبه‌هایی است الهی که انسان را به‌سوی معرفت و محبت او سوق می‌دهد و تفاوتی که در ادراک عظمت بی‌پایان او میان انسان‌ها وجود دارد به‌سبب تفاوتی است که در میزان معرفت و محبت خلاق نسبت به او موجود است و به‌نسبت درجه درک عظمت اوست که کوچکی و زبونی هرچه جز خداوند جل جلاله است تصور و در برابر چشم باطن جلوه‌گر می‌شود.» (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۷۵۵).

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام سفارش می‌کنند: «آن‌گاه که به راه راست هدایت شدی در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع‌تر باش.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در کلامی دیگر نیز می‌فرمایند:

«آن‌کس که عظمت خداوند جل جلاله را می‌شناسد سزاوار نیست خود را بزرگ جلوه دهد؛ پس بلندی ارزش کسانی که بزرگی پروردگار جل جلاله را می‌دانند در این است که برابر او فروتنی کنند و سلامت آنان که می‌دانند قدرت خداوند جل جلاله چه اندازه می‌باشد در این است که برابر فرمانش تسلیم باشند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

تجسم بزرگی خداوند جل جلاله و قدرت مطلق او و ناچیزی خود مسیر سخت و دشوار پیش‌رو در قیامت و حسابرسی دقیق او و... را به انسان یادآوری می‌کند و مانع از آلوده شدن به رذائل و ارتکاب گناهان می‌شود.

اعمال عبادی دیگری نیز در نهج البلاغه مطرح شده که درباره باور به آخرت است و مفهوم اصلی خود را ظاهر می‌کنند؛ نظیر خوف ورجا داشتن، استعانت از خداوند جل جلاله،

توکل کردن به خداوند ﷻ، یاد خداوند ﷻ کردن، شوق دیدار خداوند ﷻ و مرگ که به دلیل رعایت حجم مقاله از شرح و بسط آن‌ها خودداری شد.

نتیجه‌گیری

اعمال عبادی منطبق با دستورات دینی که انسان‌های مؤمن و پارسا انجام می‌دهند و نشانهٔ باور آن‌ها به توحید و معاد و نبوت است، هم نوع رابطهٔ انسان با خداوند ﷻ را می‌نمایاند و هم به‌نوعی مظاهر و جلوه‌های سبک زندگی اسلامی به شمار می‌روند. صحنهٔ نماز خواندن انسان به‌صورت فردی یا جماعت، صحنهٔ حج گزاردن مسلمانان، تلاوت قرآن و سایر اعمال عبادی همه معرفی‌کنندهٔ اسلام و شاخصه‌های ظاهری مسلمانی هستند. این اعمال نمایانگر نظام ارزشی و فکری حاکم بر افراد و کم‌وکیف باورهای آنان است. انسان مسلمان به‌سبب باورهای دینی و در نظر گرفتن خداوند ﷻ در همهٔ شئون زندگی و فلسفه‌ای که برای آفرینش و حیات خویش قائل است، به‌دنبال جهت‌دهی صحیح زندگی خویش برای رسیدن به مقصد نهایی است. یاد خداوند ﷻ، شب‌زنده‌داری، رضایت از خداوند ﷻ، شکرگزاری و... اعمال عبادی هستند که نقش هرکدام در زندگی فردی و اجتماعی انسان درخور تأمل و توجه است. این اعمال متأثر از هم هستند؛ یعنی اهتمام به هرکدام ضمن عمق‌بخشی و بهبود رابطهٔ انسان با خداوند ﷻ انسان را به انجام دیگر کنش‌های عبادی نیز سوق می‌دهد. باور به آخرت رابطهٔ انسان با خداوند ﷻ را تقویت و او را به پرستش در برابر آن وجود متعالی برمی‌انگیزاند؛ بنابراین می‌توان چنین استنتاج کرد که بین انجام اعمال عبادی و باور به آخرت رابطه‌ای مستقیم و دوسویه برقرار بوده و تقویت هریک یا غفلت از هرکدام بر دیگری اثرگذار است و با تقویت رابطهٔ انسان با خداوند ﷻ به‌وسیلهٔ اهتمام به اعمال عبادی و در سایهٔ باور به آخرت می‌توان به اصلاح و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در جامعه کمک کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ۱۳۹۳، ترجمه علی مشکینی، قم: الهادی.
۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ۱۳۷۵، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدّه الداعی)، ترجمه حسین غفاری ساروی، قم: بنیاد معارف اسلامی.
 ۲. الهامی نیا، علی اصغر و غلامعباس طاهرزاده، ۱۳۷۹، اخلاق عبادی، قم: افق فردا.
 ۳. بحرانی، ابن میثم، ۱۳۷۵، ترجمه شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوابی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم و درر الکلم، به تصحیح مهدی رجائی، چ ۲، قم: دار الکتاب الاسلامی.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۳۲، حکمه العبادات، چ ۲، بیروت: دار الاسراء للطباعة و النشر.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، به تصحیح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
 ۷. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۸. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، به تصحیح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
 ۹. رهبر، محمدتقی، ۱۳۸۳، اخلاق و آداب در حج و زیارت، چ ۹، تهران: مشعر.
 ۱۰. سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۳، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۱۸، قم: پیام مقدس.
 ۱۱. شریفی، احمدحسین و دیگران، ۱۳۹۱، همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.
 ۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی،

چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. مدرسی طباطبایی یزدی، محمدرضا، بی تا، شکر (سرود آسمانی)، بی جا: بی تا.

۱۴. مرادی کهنکی، فاطمه و دیگران، تابستان ۱۳۹۷، «نقش آخرت گرایی در رابطه انسان و محیط زیست از دیدگاه نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، س ۶، ش ۲۲، ص ۱۱۹ تا ۱۳۸.

۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، انسان و ایمان، چ ۲، قم: صدرا.

۱۶. __، ۱۳۹۰، فلسفه اخلاق، چ ۳۵، تهران: صدرا.

۱۷. __، بی تا، انسان و سرنوشت، قم: صدرا.

۱۸. معین الاسلام، مریم، تیر ۱۳۸۸، «سیره عبادی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)»، نامه جامعه، س ۶، ش ۵۸، ص ۴۱ تا ۴۸.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۲۰. ملکی تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۷۴، المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث بندر ریگی، قم: اخلاق.

۲۱. ناصری جزه، نگار، ۱۳۹۳، «مبانی انسان شناسی رفتار سیاسی امام علی (علیه السلام)»، کارشناسی ارشد، رشته علوم حدیث (گرایش نهج البلاغه)، دانشگاه قرآن و حدیث.

۲۲. نوروزی، محمدرضا، ۱۳۹۱، دعا پیوند انسان با خدا، تهران: نباء.

۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، به تصحیح مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).

۲۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰، تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم: مکتبه فقیه.

